

نشود، با آوردن کلمه «توسعه» چیزی جز یک سلسله مطالب کلی، عام و مبهم عرضه نشده است.

به طور مشخص، در یک کشور معین و در یک دوره معین، باید گفت که مراد از توسعه چیست؟ حتی اگر مراد از توسعه، به دست آوردن حقوق اقتصادی جامعه باشد، این امر نمی تواند در تضاد با حق حیات بشری افراد آن جامعه قرار گیرد، زیرا، حقوق بشر نه فقط حقوق سیاسی و فرهنگی، بلکه حقوق اقتصادی را نیز در بر می گیرد. حقوق سیاسی و فرهنگی و اقتصادی یک انسان و یک جامعه، یک وحدت را می سازد و نمی توان از بخشی از آن صرف نظر کرد و به این جهت، در جامعه ای که آزادی های سیاسی و فرهنگی نباشد، توسعه ای نیز در کار نخواهد بود. اگر در جامعه ای، حکومت مردم بر بخش اقتصاد اعمال نشود و اقتصاد در اختیار یک اقلیت باشد، توسعه ای هم مطرح نیست، زیرا، حق حاکمیت مردم بر اقتصاد که از حقوق بشر است، نقض شده و آنچه که رخ می دهد، یک توسعه محدود، مشروط و وابسته است.

مرزهای توسعه و وابسته، منافع مشترک طبقه حاکم و دول استعماری است. آنچه که به نام توسعه در کشورهای سرمایه داری وابسته عنوان شده و یا انجام می گیرد، توسعه وابسته است و تا زمانی که وابستگی باشد، از توسعه به معنای رشد اقتصادی و فرهنگی، بالا رفتن سطح زندگی مردم، به دست آوردن استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، احیاء شخصیت انسانی و بالاخره رفع بلای ظلم و فقر و رفع سرسلطه اقلیت غارتگر و دزدان خانگی، نمی توان سخن گفت، زیرا، توسعه وابسته در مرز منافع اقتصادی و سلطه فرهنگی و سیاسی کشورهای سرمایه داری استعماری متوقف می شود و تا بهایی است از متغیر رشد در این کشورها و در خدمت توسعه آنان.

به نظر من، یکی از نکات مهم در طرح توسعه در کشورهای مناطق و عقب نگهداشته شده توجه به این حقیقت تاریخی است که بر اثر کشیده شدن مستعمرات به بازار جهانی سرمایه داری، در این مناطق و کشورهای طبقه وابسته استعماری به وجود آمد که تا آن زمان وجود نداشت. این طبقه که پایگاه اجتماعی دولت های وابسته استعماری است، با استعمار سرمایه داری، منافع مشترک دارد، در آن تنیده شده است و بر اساس منافع مشترک عمل می کند.^(۱) در نتیجه، تا زمانی که طبقه وابسته استعماری بر کشوری مستولی باشد، نظام آن کشور، سرمایه داری و وابسته می ماند و توسعه ای که صورت می گیرد یک توسعه وابسته است.

بیشتر نظریه پردازان توسعه، در باره ساختار نظام سرمایه داری و وابسته و طبقه حاکم وابسته به استعمار در کشورهای عقب نگهداشته شده که مانع اساسی توسعه است، حرفی نمی زنند و با ادب و نزاکت و تجاهل عارفانه از کنار مسأله اصلی می گذرند، اما حقیقت این است که طبقه وابسته استعماری، مانع اصلی توسعه اقتصادی و فرهنگی در کشورهای عقب نگهداشته شده است.

طرحهای توسعه ای که از طرف این طبقه ارائه می شود در باره ای موارد برای رسیدن به این تساوی است. اما تجربه و روابط پانصد ساله اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی ثابت می کند که این تصور و آرزو بیپهوده است. طبقات حاکم کشورهای استعماری اجازه به وجود آمدن رقیب یا شریک را نمی دهند؛ بلکه تنها حاضر به پذیرش خادمان و وابستگانند.

طبقه وابسته استعماری در حالیکه نقش خادم و حقیر خود را در اصل قبول دارد، در برابر مردم کشورش خود را مستقل و صاحب قدرت معرفی می کند.

موضوع توسعه در کشورهای عقب نگهداشته شده - بنظر من - رها ساختن منابع طبیعی، نیروی انسانی و فرهنگ مردم از سلطه استعمار سرمایه داری و سرمایه داری و وابسته به آن به منظور از میان بردن بلای فقر و ظلم است. به این جهت، اگر برنامه ریزی های اقتصادی و فرهنگی به طور دقیق و روشن در این جهت نباشد و اقتصاد محلی در برابر تهاجم کالا، سرمایه و زبانه های کشورهای سرمایه داری صنعتی حفظ نشود، نمی توان از توسعه سخن گفت. در واقع، بدون حرکت در جهت رهایی از سلطه استعمار سرمایه داری و طبقه وابسته به استعمار، توسعه ای انجام نخواهد گرفت و حرکت در جهت تثبیت سرمایه داری و توسعه وابسته، نه فقط «تجدد» نیست، بلکه ارتجاع صرف، حرکتی ضد انسانی و تشدید وابستگی است.

■ زیر نویس

(۱) برای آشنائی با چگونگی ایجاد و رشد طبقه وابسته استعماری در ایران رجوع شود به: دولت و حکومت در ایران، شاپور رواسانی، تهران، ۱۳۶۵، نشر شمع.

توسعه؛ رهایی یا تشدید وابستگی؟

● نوشته: دکتر شاپور رواسانی

استاد کرسی اقتصاد اجتماعی دانشگاه الدنبرگ - آلمان

● بیشتر نظریه پردازان در باره توسعه و توسعه نیافتگی، همان روشنفکران و فضیای کشورهای سرمایه داری صنعتی پیشرفته اند که از دور دستی بر آتش «توسعه نیافتگی» دارند. ضعف عمده این نظریه پردازان ناآگاهی از ساختار طبقاتی جوامع عقب نگهداشته شده است.

گروه زیادی از این نظریه پردازان حاضر نیستند در باره اثرات اقتصادی و اجتماعی کلنیالیسم و امپریالیسم بر کشورهای مناطق «توسعه نیافته» حرفی بزنند و وضع کنونی اقتصاد جهانی را به عنوان یک «داده» - جدا از علل تکوین آن - فرض اصلی برای حل مسئله توسعه قرار می دهند.

متأسفانه در کشورهای عقب نگهداشته شده، کار تحقیق نظریه پردازان محلی در باره توسعه، به طور عمده به گردآوری و دسته بندی آراء این علما محدود می شود و کار در همان حد کلی گویی و بازی روشنفکرانه با کلمات باقی می ماند. از سنگاپور و تایوان و کره جنوبی و چند کشور و منطقه دیگر به نام کشورهای مناطق «توسعه یافته» سخن به میان می آید، اما توجه نمی شود که این مناطق، حوزه نفوذ و فعالیت سرمایه های بزرگ کشورهای استعماری قرار دارند و رونق این مناطق، امری متزلزل و زود گذر است. در بحث «توسعه» همچنین به این حقیقت تاریخی توجه نمی شود که سرمایه داری کلاسیک، چنان که در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن پدید آمد و رشد یافت، خود مانع رشد سرمایه داری کلاسیک در بقیه نقاط جهان شده و می شود و آنچه که در خارج از این کشورهای رشد یافته وجود دارد، سرمایه داری و وابسته است.

رشد سرمایه داری در ژاپن که به نظر برخی صاحب نظران «تجدد» نامیده می شود، به سبب آن ممکن شد که این کشور تحت سلطه و نفوذ دول بزرگ استعماری اروپائی قرار نداشت و در نتیجه توانست مراحل اولیه رشد سرمایه داری را بدون حضور کالا و سرمایه خارجی بگذراند. با غارت و کشتار مردم کره و چین، استعمار سرمایه داری در ژاپن با جان گرفت و موجب شد که ژاپن در زمره کشورهای سرمایه داری - استعماری بزرگ درآید، فجایع ارتش ژاپن در کره و چین هنوز زبانتاز مردم این منطقه است.

در کوششهایی که برای تعریف توسعه انجام می گیرد، بطور کلی توجه نمی شود که توسعه و توسعه نیافتگی، در دوران ما، دوروی یک سکه اند، در رابطه ای درونی و تاریخی با یکدیگر قرار دارند و بدون توجه به سابقه تاریخی پیوستگی توسعه و توسعه نیافتگی، نمی توان توسعه را تعریف کرد. انکار این وابستگی، انکار حقایق تاریخی، انکار علم و دانش و برخوردی سطحی با اقتصاد و تاریخ است.

کشورهای «توسعه یافته» و پیشرفته امروزی، بطور عمده، همان کشورهای سرمایه داری استعماری اند که با غارت میلیونها انسان در ۷۰۰ سال گذشته توانسته اند بار خود را ببندند و امروز هم با به کار بردن زور و غارت میلیونها انسان در مستعمرات، به پیشرفت های علمی و فنی و اقتصادی (اما نه فرهنگی) خود ادامه می دهند. کشورهای عقب مانده نیز همان مستعمراتند که مستعمره مانده اند و تا زمانی که سلطه اقتصادی کشورهای پیشرفته سرمایه داری صنعتی بر آنان حفظ شود، نخواهند توانست به صورت کشورهای پیشرفته صنعتی درآیند. تعریفی که از «توسعه» ارائه می شود، بستگی کامل به محتوای اجتماعی و اقتصادی آن دارد، تا این محتوای اجتماعی - اقتصادی دقیقاً توضیح داده